

آرامگاه مسعود

احمد علی کهزاد

فرستنده: بنیاد فرهنگی کهزاد

در سلسله اولاده سلطان محمود غزنوی سه نفر به نام «مسعود» سلطنت کرده اند. مسعود اول که عبارت از **شهاب الدوله سلطان مسعود پسر محمود** است در سال 422 ه. ق. بعد از یک سال سلطنت برادرش محمد به پادشاهی رسید و چون خویش را وارث حقیقی محمود میدانست و در میان اعضای خانواده و امرا و امنای کشور طرفدارانی داشت، با اینکه در وقت وفات پدر از غزنه دور بود و باوجودیکه برادرش محمد از موقع استفاده نموده و جلوس خود را بر تخت محمودی اعلام داشت، باز هم موفق به اشغال تخت و تاج گردید. شهاب الدوله مسعود بعد از ده سال سلطنت به ایما برادرش محمد در یازدهم جمادی الاخر سال 432 ه. ق. در هند، در رباط «**ماریکله**» بقتل رسید و قراریکه استاد خلیلی در کتاب «**سلطنت غزنویان**» نگاشته اند، بیشتر مأخذ مانند «**زین الاخبار گردیزی**»، «**ابن اثیر**»، «**طبقات ناصری**»، «**حبیب السیر**» و امثالهم از آوردن جسد سلطان به غزنه ذکر نکرده اند. تنها ابوالقاسم فرشته متذکر میشود که **سلطان مودود** امر داد تا تابوت پدر و برادرانش را به غزنه آورند. بدین قرار مسعود پسر محمود، آنکه او را مسعود اول میتوان خواند خارج خاک غزنه در رباط «ماریکله» هند بقتل رسیده و راجع به انتقال جسد او از خاک هند به خاک خراسان جزء یک مأخذ نداریم. معذالک از امکان بیرون نیست که سلطنت مودود غزنوی در آوردن جسد پدرش به شهر غزنی صرف مساعی کرده باشد. عقل سلیم و محبت فرزندی و پدری هم حکم میکند که مودود جسد پدرش مسعود را به غزنی آورده باشد.

مسعود دوم عبارت از از پسر مودود است که او را محمد هم خوانده اند و در زمان وفات پدر خود چهار ساله بود و صورت پادشاهی وی را هم به رنگ ها و پیرایه های مختلف نقل کرده اند و بالاخره هم بعد از یک ماه خلع میشود. پس مسعود دوم که طفلی چهار ساله کوچکی بیش نبود و پادشاهی یک ماهه او هم که جز نامی بیش نداشت، در میان ماجراهای خانوادگی و درباری معدوم است، و از نظر مطالعه مخصوصی که راجع به «**آرامگاه مسعود**» در نظر گرفته ایم به حساب نمی آید.

مسعود سوم در سلاله غزنویان عبارت از علاالدوله ابو سعد مسعود است. نامبرده پسر سلطان ابراهیم غزنوی بود. پدرش منجبت طول زمان از همه سلطان های غزنوی بیشتر سلطنت کرد زیرا دوره سلطنت او بنابر بعضی مأخذ به 41 سال میرسد. مسعود سوم پسر سلطان ابراهیم 16 سال سلطنت کرده و یکی از منارهای غزنه نه آنکه بیشتر بطرف شرق دیده میشود، در عهد همین سلطان بزرگ برپا شده است و اسم و القاب او در آن بصورت ذیل خوانده میشود: «**السلطان الاعظم ملک الاسلام علاالدوله ابوسعد مسعود بن ظهیر الدوله ابی مظفر ابراهیم**»

در میان بقعه ها و مقابر غزنه یک بقعه و یک قبر موجود است که هم در زبان زد عوام و هم در برخی از مأخذ نسبتاً جدید «**آرامگاه مسعود**» خوانده شده و مرحوم شیخ محمد رضا سهیل در کتاب «**ریاض الالواح**» خود آنرا مزار و آرامگاه مسعود بن ابراهیم میدانند. این بقعه و این قبر به فاصله تقریباً یک کیلومتری جنوب شرق شهر غزنی در میان باغ ها و باغچه ها نسبتاً منزوی تر از سائر قبور افتاده و متصل است به یک دهکده و اهالی آن دهکده طوری دیوارهای باغچه های خود را پیچ در پیچ داده اند که بقعه مذکور به آسانی معلوم نمیشود و حتی مالک یکی از خانه های مجاور بقعه برخی از ستون های منزل خود را به گنبد مدفن تکیه داده و بقعه را در میان باغچه خود احاطه کرده است.

به شرحیکه پیشتر داده شد ما در سلسله غزنویان سه مسعود داریم: اول، دوم و سوم و به نحوی که دیدیم مسعود دوم طفلی بیش نبود. بدین ترتیب دو مسعود اول و سوم باقی میمانند و با قبول اینکه جسد مسعود اول را هم به غزنه آورده باشند باید آرامگاه دو سلطان مسعود «اول» و «سوم» را جستجو کرد.

موسیو «فلوری Fleuri» فرانسوی در طی مطالعات خویش که در مجله سیریا «Syria» (جلد 6 سال 1925) بعمل آورده این قبر را یک قبر ناشناس و نامعلوم خوانده و میگوید که سنگ های صندوقه مزار شامل دو حصه کاملاً مجزی و علیحده میباشد، یکی خود صندوقه مدفن که از سنگ مرمر جگری بسیار بلند و بزرگ و بظاهر مجلل ساخته شده و دیگر لوحه ئی با کتیبه ئی که بالای صندوقه مرمری گذاشته اند و از سنگ مرمر سفید است. از روی سبک تزئینات و دایره ها و گل‌های ماحول صندوقه قبر میتوان حدس زد که در این صندوقه سبک کار مخصوصی که در حقیقت «هندو و اسلامی» خوانده میشود، بنظر میرسد. به عقیده او تزئیناتی که بدین شکل در دروازه شمالی مسجد «قوت الاسلام» دهلی دیده میشود و چون آن قسمت مسجد مذکور در عهد غوری ها (سلطان علاالدین محمد بن سام) در طی قرن 6 هـ. ق. ساخته شده و سلطان مذکور پیش از اینکه به سلطنت از طرف برادرش سلطان غیاث الدین غازی، در حوالی سال 569 هـ. ق. در غزنه حکمرانی کرده است. از احتمال بیرون نیست که صندوقه قبری که به آرامگاه مسعود در غزنه نسبت میدهند در عصر حکمران غوری در دوره تصدی معزالدین محمد سام بدست یکی از هنرمندان هندی ساخته شده باشد. حال آنکه لوحه کتیبه که بالای قبر مذکور گذاشته شده آیات قرانی را به سبک مخصوص رسم الخط کوفی نشان میدهد و آن سبک به عقیده موسیو فلوری به روش نوشته قرانی شباهت دارد که در 566 به قلم ابوبکر غزنوی نوشته شده است.

ناگفته نماند که موسیو «گودارد Goddard» فرانسوی در 1923 پارچه سنگی را در غزنی عکاسی نموده که روی آن «مسعود بن یمین» نوشته است و حتی به مسعود بن محمود غزنوی یعنی به مسعود اول تعلق میگیرد و متأسفانه چون پارچه کوچک و شکسته ئی است از ین بیشتر از آن معلوماتی بدست آمده نمیتواند و وجود آنهم امروز مجهول است. بدین ترتیب قبری که امروز بنام «آرامگاه مسعود» معروف است از نظر سبک کار صندوقه آن و پارچه سنگ هائی که در آن گذاشته شده قبر عجیب و دلچسپی است که مطالعه عمیق و علمی میخواهد. 3/ ثور 1337